یادداشت

احزاب منعکس‌کننده نظرات جامعه هستند

فاطمه فراهانی
فعال سیاسی

فعالیت احزاب در فضای سیاسی کشور منجر به این می‌شود که چالش‌های سیاسی در جامعه در چارچوب قانون مورد بررسی قرار گیرد و درنهایت مطالبات جامعه به صورت قانونی دنبال و مسائل کشور حل شود. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دنیا احزاب چنین نقشی را ایفا می‌کنند از این منظر چالش‌ها در این کشورها به بحران تبدیل نمی‌شود. نقش احزاب در ایجاد ثبات در جامعه و کمک به دولت برای گفت‌وگو با شهروندان غیرقابل انکار است. چنانچه مسئولان درصدد گفت‌وگو با جامعه باشند احزاب در این میان نقش اساسی و جدی‌ای را می‌توانند ایفا کنند. احزاب با تشکیل کار گروه مختلف می‌توانند وظیفه خود را که نظرخواهی و گفت‌وگوی مستقیم با مردم است را در این زمینه ایفا کنند و از طریق همین کارگروه‌ها می‌توانند دغدغه و مطالبات جامعه را به مسئولان منتقل کنند. ماهیت احزاب واسطه‌گری میان حاکمیت و جامعه است. در سراسر جهان به همین منوال بوده و احزاب صدای مردم به حاکمیت هستند، اما در ایران برعکس مد شده که بگویند من حزبی نیستم. زیرا تعریف درستی از حزب به جامعه ارائه نشده است و علاوه بر این فعالیت احزاب آن طور که باید در جامعه ملموس. به گونه‌ای که احزاب به حاشیه رفته‌اند اما با وجود تمامی این چالش‌ها باید این مورد را در نظر گرفت که ماهیت احزاب واسطه‌گری میان مسئولان و مردم است. احزاب نقش مهمی در تعادل سیاسی و ارتباط با حاکمیت دارند. در شرایط کنونی مهم است که حاکمیت بتواند نقش احزاب را در چارچوب قانون فعال کنند تا احزاب بتوانند دغدغه‌های جامعه را در این قالب مورد بررسی قرار دهند. فعالیت احزاب منجر به این می‌شود که تنش سیاسی در جامعه در چارچوب قانون مورد بررسی قرار گیرد و درنهایت مطالبات جامعه به صورت قانونی دنبال و مسائل و چالش‌ها عمیق نشده و در کمترین زمان برای حل آن توافق صورت گیرد. در واقع یکی از اصول مهم گفتمان سیاسی در جامعه نقش احزاب آن جامعه است. احزاب حتی اگر بخواهند بی‌طرف هم باشند و تنها در راستای خروج از بحران کنونی عمل کنند بازهم با موانعی روبه‌رو می‌شوند. اما اصل مساله این است که احزاب حتما باید منعکس کننده نظرات جامعه به حاکمیت باشند. اگر این مسیر به رسمیت شناخته شود هم احزاب در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرند و هم دولت‌ها می‌توانند از جایگاه احزاب استفاده کنند.

نگاه

رضا میرابیان:

تاکید بغداد بر تداوم فعالیت میانجی‌گرانه میان تهران و ریاض

یک کارشناس مسائل بین‌الملل در تحلیل اقدامات سیاسی عربستان سعودی از زمان توقف گفت‌وگوهای دوجانبه با ایران و در پاسخ به این سوال که روز دوشنبه بار دیگر سخنگوی وزارت امور خارجه با این پرسش مواجه شد که آیا برنامه‌ای برای ازسرگیری گفت‌وگوهای تهران و ریاض وجود دارد در حالی که یکی از مقامات آمریکایی سخن از ممانعت این کشور از حمله نظامی ایران به سعودی خبر داده است، گفت: اقدام رسانه آمریکایی در اعلام خبر حمله احتمالی ایران به عربستان و پس از آن اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر ممانعت از حمله ایران به عربستان سعودی تماما اظهاراتی تحریک‌آمیز است به این معنا که ایران درصدد عملیات بوده و آمریکا مانع شده که سراسر کذب است. ایالات متحده در این مدت به‌شدت تلاش کرد تا یک نوع تنش و تحریک در روابط ایران و عربستان ایجاد کند. من شما را به سخنان سخنگوی وزارت امور خارجه ارجاع می‌دهم که با صراحت گفتند ایران خواهان حل و فصل مسائل با عربستان سعودی از طریق گفت‌وگو است. بنابراین حمله‌ای در کار نبوده و نیست. رضا میرابیان اظهار داشت: اینکه چرا گفت‌وگوها به نتیجه نرسید؛ در واقع این گفت‌وگوها ادامه داشت، اما به دلیل تحولات داخلی عراق به تعویق افتاد و مقرر شد که پس از بازگشت آرامش به این کشور از سر گرفته شود که مجددا به حوادث داخلی کشورمان برخورد کرد و در همین راستا دخالت‌های رسانه‌ای عربستان از طریق تلویزیون اینترنشنال منجر شد تا فضا تیره و تاریک شود. جمهوری اسلامی ایران همچنان به میز گفت‌وگو پایبند است و نخست‌وزیر عراق، آقای شیاع السودانی هم هفته گذشته بر تداوم تلاش میانجیگرانه میان تهران و ریاض تاکید کردند و منتظر پاسخ دو طرف برای ادامه مذاکرات هستند. وی افزود: معتقدم ریاض هم تمایل داشت این مذاکرات ادامه پیدا کند و البته شروع این مذاکرات هم به درخواست آن‌ها بود و آن‌ها بودند که از عراق خواستند در این رابطه میانجی‌گری داشته باشد و بارها نیز اعلام کردند که به این مذاکرات پایبند هستند و خواهان ادامه هستند. فکر می‌کنم اگر فضای تحریکات آمریکا متوقف شود قطعا دور ششم مذاکرات میان ما و عربستان برگزار خواهد شد. این تحلیلگر مسائل خاورمیانه در پاسخ به این سوال که به نظر می‌رسد واشنگتن و ریاض درصدد کاهش تنش در روابط خود هستند، این موضوع چه تاثیری بر روابط ایران و عربستان خواهد داشت، گفت: تنش میان واشنگتن و ریاض ادامه دارد و سعودی‌ها از موضع خودشان عقب‌نشینی نکردند و در اجلاس اخیر نیز آن‌ها ۱۰۰ هزار بشکه از سهمیه اوپک را کاهش دادند و در موضوع اوپک پلاس که ۲ میلیون بشکه کاهش دادند روس‌ها به دنبال این بودند که ۱ میلیون کاهش دهند اما سعودی‌ها بر رقم خود اصرار کردند؛ بنابراین موضع ریاض در این رابطه تغییر نکرده است و در واقع تنش هم در روابط دو کشور وجود دارد و دورنمایی برای عقب‌نشینی ریاض از موضع خود وجود ندارد، چراکه معتقدند نفت ربطی به سیاست ندارد و منافع ملی عربستان است. وی افزود: ما نیز روابط خودمان با عربستان را به رابطه این کشور با آمریکا یا هر کشور ثالث دیگری گره نزده‌ایم. ایران و عربستان منافع مشترکی در خلیج فارس دارند که باید برای تامین این منافع با یکدیگر همراهی کنند.

مهدی پازوکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اقتصاد کشور بیش از هر چیز به ثبات نیاز دارد

- هفت صفحه از هفت هزار صفحه برنامه اقتصادی را منتشر کنید
- به خاطر تصمیماتی که برای اقتصاد می‌گیریم باید به آینده پاسخگو باشیم
- ما به برجام‌های دیگری در داخل کشور نیاز داریم
- نظام تصمیم‌گیری اقتصادی باید تغییر ریل بدهد
- هیچ کس حاضر نیست مسئولیت پرت منابع احمدی‌نژاد را بپذیرد

آرمان ملی – احسان انصاری: عدم احیای برجام چه چشم‌اندازی پیش روی اقتصاد کشور قرار می‌دهد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوال با دکتر مهدی پازوکی، اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. پازوکی معتقد است: «باید رویکردهای پوپولیستی را از تصمیم گیری‌های اقتصاد کلان کشور دور کرد. با پوپولیسم نمی‌توان ساختارهای معیوب اقتصاد کشور را اصلاح کرد. نظام تصمیم گیری اقتصادی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی باید روش علمی و کارشناسی در پیش بگیرد و هیچ راه دیگری در این زمینه وجود ندارد. دولت از ابتدایی که روی کار آمد مدعی بود که برای اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی کشور برنامه دارد. آقای رئیسی در مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری عنوان کرد که ۷ هزار صفحه برنامه برای اصلاح و بهبود وضعیت اقتصاد کشور دارد. این در حالی است که تاکنون ۷ صفحه از این ۷ هزار صفحه نیز منتشر نشده است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

احیا یا عدم احیای برجام چه تأثیری در وضعیت اقتصاد کشور خواهد داشت؟ اگر برجام به نتیجه نرسد چه چشم‌اندازی پیش‌روی اقتصاد کشور قرار خواهد گرفت؟

من به عنوان کسی که معتقدم برجام و تعامل با جامعه جهانی به سود اقتصاد ایران است بر این باور هستم که اگر ما مشکلات اقتصادی ایران را ۱۰۰ فرض کنیم تنها ۲۰ درصد آن به برجام بازمی‌گردد و ۸۰ درصد بقیه به وضعیت مدیریت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور باز می‌گردد. ما به برجام‌های دیگری در داخل کشور نیاز داریم. ما باید بپذیریم که نظام مدیریتی کشور باید در راستای منافع ملی و برای حل مشکلات اقتصادی تغییر ریل بدهد و مسیر جدیدی را در پیش بگیرد. اگر مدیریت اقتصاد کشور پس از احیای احتمالی برجام نیز مانند گذشته باشد قطعا در آینده با مشکل مواجه خواهیم بود. در سال گذشته براساس نظرات غیر کارشناسی حداقل حقوق در حدود ۵۸ درصد افزایش پیدا کرد. در ظاهر شاید این تصمیم برای برخی اقشار پایین جامعه خوب بود، اما اگر به صورت علمی و کارشناسی به موضوع نگاه کنیم این اتفاق بیشتر شبیه یک توهم اقتصادی است. در شرایط کنونی قدرت خرید مردم در زمینه‌های مختلف نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرده است. این وضعیت به صورت مشخص در نرخ تورم نقطه‌ای و نرخ تورم قابل مشاهده است. واقعیت دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که ارزش پول ملی در یک سال گذشته کاهش پیدا کرده است. این وضعیت باعث شده که امروز بازنشستگان نیز خواستار افزایش میزان حقوق خود هستند. اتفاقی که در آینده درباره دیگر بخش‌ها و بازنشستگان آنها نیز رخ خواهد داد. اگر نظام تصمیم گیری کلان اقتصادی با مشکلات برخورد علمی و کارشناسی نکند و از تجربیات کشورهای دیگر استفاده نکند و با سیاست‌های نابخردانه باعث خروج نخبگان از کشور شود باعث می‌شود که تبعات منفی برای کشور به وجود بیاید. اگر می‌خواهیم بر مشکلات اقتصادی فائق بیاییم و ایران در مسیر توسعه و پیشرفت قرار بگیرد باید نظام تصمیم‌گیری کلان کشور اصلاح شود.

نظام تصمیم گیری کلان کشور چگونه می‌تواند در مسیر اصلاح قرار بگیرد؟

در مرحله نخست باید رویکردهای پوپولیستی را از تصمیم گیری‌های اقتصاد کلان کشور دور کرد. با پوپولیسم نمی‌توان ساختارهای معیوب اقتصاد کشور را اصلاح کرد. نظام تصمیم گیری اقتصادی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی باید روش علمی و کارشناسی در پیش بگیرد و هیچ راه دیگری در این زمینه وجود ندارد. دولت از ابتدایی که روی کار آمد بیان می‌کرد که برای اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی کشور برنامه دارد. آقای رئیسی در مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری عنوان کرد که ۷ هزار صفحه برنامه برای اصلاح و بهبود وضعیت اقتصاد کشور دارد. این در حالی است که تاکنون ۷ صفحه از این ۷ هزار صفحه نیز منتشر نشده است. اگر برنامه‌ای وجود دارد دولت باید آن را منتشر می‌کرد تا کارشناسان آن را مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. نکته دیگر اینکه بودجه‌ای که دولت آقای رئیسی برای سال ۱۴۰۱ تدوین کرده براساس برنامه ششمی بوده که دولت آقای روحانی تدوین کرده بود. من بعید می‌دانم برنامه هفتم به سال ۱۴۰۲ برسد. هنوز سیاست‌های کلی برنامه هفتم تصویب نشده است. چرا در این زمینه کسی این سوال را مطرح نمی‌کند که برنامه ششم چه اشکال و ایرادی داشته است؟ زمان در علم اقتصاد متغیر مهمی است و آینده ما را به‌خاطر برخی تصمیمات که امروز گرفته‌ایم نخواهد بخشید. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به دولت وارد است این است که استراتژی دولت مشخص نیست و گویا دولت به خصوص در زمینه اقتصادی برنامه منسجمی ندارد.

> ما نیاز به برخورد علمی و کارشناسی با مسائل داریم و باید با تعقل و دوراندیشی نسبت به آینده اقتصادی کشور تصمیم گیری کنیم. به همین دلیل من با برجام‌های دیگری در داخل کشور تأکید می‌کنم و بر این باور هستم که برای اداره کشور باید برجام‌های داخلی دیگری را در دستور کار قرار بدهیم

چرا معتقدید دولت در زمینه اقتصادی استراتژی و برنامه ندارد؟

باید بدانیم با شعار استراتژی به وجود نمی‌آید. به همین دلیل برجام به تنهایی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند. برجام یک والفجر مقدماتی است که ما بتوانیم برنامه‌های دیگری را اجرا کنیم. تعامل با کشورهای جهان می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند و برجام این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد. با این وجود ما باید برای هر دو وضعیت تحقق یا عدم تحقق برجام برنامه داشته باشیم. در شرایط کنونی نظام دستمزد در ایران یکی از ناکارآمدترین نظام‌های دستمزد است. اگر ما به آنچه در فیش حقوقی کارمندان و کارگران وجود دارد یا آنچه دریافت می‌کنند نگاه کنیم روز به روز فاصله آنها از هم بیشتر می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که نظام حقوق و دستمزد ایراد دارد. من بر این باور هستم که کشور به مدیریتی نیاز دارد که انضباط اقتصادی را بر کشور حاکم کند. این انضباط شامل سه نوع انضباط می‌شود. نخست انضباط پولی در سیستم بانکی، دوم انضباط مالی در سند بودجه‌ای و سوم انضباط اقتصادی است. در شرایط کنونی ما به جاهایی بودجه پرداخت می‌کنیم که نباید پرداخت کنیم و در مقابل به جاهایی بودجه پرداخت نمی‌کنیم که باید پرداخت کنیم. اگر امروز به بودجه مجلس یازدهم نگاه کنیم متوجه می‌شویم که بودجه مجلس به دو هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. این در حالی است که ۳ سال گذشته این بودجه ۷۰۰ میلیارد تومان بوده است. نمونه دیگر بودجه‌ای است که به شورای نگهبان داده می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که ما کشور را گران اداره می‌کنیم. مجلس باید در مقابل این بودجه‌ها کارشناسانه‌تر برخورد کند. اقتصاد کشور با روش‌های سنتی به سمت پیشرفت و توسعه حرکت نمی‌کند. ما نیاز به برخورد علمی و کارشناسی با مسائل داریم و باید با تعقل و دوراندیشی نسبت به آینده اقتصادی کشور تصمیم گیری کنیم. به همین دلیل من با برجام‌های دیگری در داخل کشور تأکید می‌کنم و بر این باور هستم که برای اداره کشور باید برجام‌های داخلی دیگری را در دستور کار قرار بدهیم.

در شرایط کنونی اراده‌ای برای اصلاح ساختارهای تصمیم گیری اقتصادی مشاهده می‌کنید؟

اتفاقی که امروز در کشور رخ داده این است که معدل برخی مدیران کشور حتی از سال‌های ابتدایی انقلاب نیز پایین‌تر است. در سال ۱۳۶۰ شهید باهنر وزیر آموزش و پرورش کشور بوده است. اگر وزیر آموزش و پرورش دولت رئیسی را با شهید باهنر مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ما در انتخاب برخی مدیران پیشرفت نکرده‌ایم. ما باید به دنبال افراد نخبه و کارشناس باشیم. برخی مدیران به تخصص و تعهد مدیران توجه نمی‌کنند. در بین اصولگرایان نیز افرادی وجود دارند که از تعهد و تخصص کافی برای مدیریت کشور برخوردار هستند. به عنوان مثال دکتر دانش جعفری یکی از کسانی که است که در اقتصاد رویکرد علمی را دنبال می‌کند و می‌تواند در شرایط کنونی به اقتصاد کشور کمک کند. برای روشن شدن این وضعیت بهتر است وضعیت مدیران فعلی دولت را با مدیران دولت اصلاحات مقایسه کنیم. اصول علمی می‌گوید که مدیران فعلی باید از مدیران دولت اصلاحات وضعیت بهتری داشته باشند و از دانش و تخصص بالاتری برخوردار باشند. این در حالی است که چنین نیست. هنگامی که مدیر درک صحیحی از وضعیت موجود جامعه نداشته باشد تصمیمی می‌گیرد که پیامدهای منفی برای جامعه به‌همراه خواهد داشت. نکته دیگر اینکه کسی که وارد دولت می‌شود دیگر نباید شرکت‌های خصوصی خود را نیز داشته باشد، بلکه باید یکی از این دو را انتخاب کند. قرار نیست کسی که در دولت در زمینه اقتصادی تصمیم گیر است دارای بنگاه اقتصادی نیز باشد. در اینجا تضاد منافع ایجاد می‌شود. امروز هیچ‌کس حاضر نیست مسئولیت پرت منابع احمدی نژاد را بپذیرد. تردید نکنید که احمدی نژاد با تصمیماتی که گرفت اقتصاد کشور را ربع قرن عقب برد. در چنین شرایطی برخی از دولت احمدی نژاد در دولت سیزدهم حضور دارند. با این وجود اگر دولت بتواند ثبات اقتصادی را به اقتصاد ایران بازگرداند و جلوی ریخت‌وپاش‌های اقتصادی را بگیرد می‌تواند به بهبود وضعیت آینده امیدوار باشد. واقعیت این است که اقتصاد ایران به‌شدت از بی‌انضباطی مالی رنج می‌برد. بی‌انضباطی پولی در سیستم بانکی، بی‌انضباطی مالی در سند بودجه و بی‌انضباطی اداری در سیستم اداری وجود دارد که دولت باید تلاش کند آنها را مرتفع کند. در همه کشورهای جهان بهترین نیروهای متخصص را جذب دولت می‌کنند. موضوع مهم دیگری که در این زمینه تعیین کننده است سیاست خارجی دولت است. دولت رئیسی اگر بتواند به جهان توسعه‌یافته و غرب ارتباط داشته باشد به سود کشور است. این ارتباط نیز باید در چارچوب منافع ملی مردم ایران باشد. برخی از مسئولان به‌خوبی با جهان و مراودات دیپلماتیک آشنایی ندارند. واقعیت این است که دوران حرف درمانی به پایان رسیده است. ما باید با سیاست‌های بخردانه و رویکردهای علمی اقتصاد را اصلاح کنیم و وضعیت زندگی مردم را بهبود بدهیم.

> یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به دولت وارد است این است که استراتژی دولت مشخص نیست و گویا دولت به خصوص در زمینه اقتصادی برنامه منسجمی ندارد

> من به عنوان کسی که معتقدم برجام و تعامل با جامعه جهانی به سود اقتصاد ایران است بر این باور هستم که اگر ما مشکلات اقتصادی ایران را ۱۰۰ فرض کنیم تنها ۲۰ درصد آن به برجام بازمی‌گردد و ۸۰ درصد بقیه به وضعیت مدیریت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بازمی‌گردد

رئیسی ناراضی از کابینه، تغییرات آغاز می‌شود؟

کنعانی مقدم: رئیسی از کابینه راضی نیست

شاهمیرزا: اختلاف آمار با وعده‌ها

آرمان ملی– احسان اسقایی: ابراهیم رئیسی که آمد وعده داد معیشت مردم را به برجام گره نخواهد زد؛ تلاش خواهد کرد که تورم را کاهش داده و وعده ساخت یک میلیون واحد مسکن در سال را داد. همه وعده‌ها به این موارد ختم نشد. او سخن از ایجاد یک میلیون شغل در سال به میان آورد و البته اعلام کرد که به دنبال حل و فصل پرونده هسته‌ای است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچند دولت سیزدهم و رئیس‌جمهور علاقه‌مند است که در تمامی این وعده‌ها به دستاورد تبدیل شود اما فعلا توانسته در مسیر تحقق شعارهای انتخاباتی گام بردارد. ابراهیم رئیسی که رئیس‌جمهور شد گروهی دور او را گرفتند. گروهی که اصولگرا بودند اما نه اصولگرای سنتی بلکه نواصولگرایانی که طرح‌هایی برای کشور داشتند و معتقد بودند اگر قدرت در دست آنها قرار بگیرد با توجه به ظرفیت‌های داخلی می‌توانند راه صدساله را یک شبه بپیمایند اما اکنون با گذشت یک سال و اندی از استقرار دولت سیزدهم نه تنها از میزان مشکلات کشور کاسته نشده بلکه مشکلات جدیدی هم در اداره کشور ایجاد شده که نمونه کوچک آن مسائلی است که برای برخی اقلام دارویی به وجود آمده، به طوری که صدای مجلس هم در این ارتباط درآمده و وزیر مربوط را احضار کرد. شیخ الوزراء کابینه؛ رستم قاسمی که به نوعی کارکشته‌ترین فرد در کابینه رئیسی بود نیز از دولت جدا شده است. همچنین وزیر کاری که قرار بود یک میلیون شغل ایجاد کند، از ترکیب کابینه به بیرون جست و مجلس نیز عملا بررسی وضعیت و عملکرد برخی وزرا را در دستور کار دارد. از این منظر نگاه رئیسی به کابینه فعلی با توجه به برخی ریزش‌ها احتمالا مثبت نیست. شاید از این روست که او این روزها از برخی خواص گلایه دارد. «آرمان ملی» در ارتباط با عملکرد کابینه سیزدهم با مهدی شاهمیرزا و حسین کنعانی‌مقدم، فعالان سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

نواصولگرایی بی‌نتیجه است

مهدی شاهمیرزا، فعال سیاسی درباره عملکرد دولت رئیسی به «آرمان ملی» گفت: راهبرد و استراتژی آقای رئیس‌جمهور و هم طیفی‌های حاضر در صحنه انتخابات ۱۴۰۰ دادن وعده‌های شعاری بود. از همان زمان که این وعده‌ها بر زبان‌ها جاری شد اکثر کارشناسان و سیاسیون به اتفاق عدم تحقق این وعده‌ها را اعلام می‌کردند. هم اکنون پس از یکسال و اندی از تحلیف رئیس محترم دولت سیزدهم بر همگان مسجل و مبرهن شد که هرگونه صحبت از این مدل توسعه آنهم با دستفرمان «نواصولگرایی» در برهه فعلی که چالش‌های متعدد اقتصادی و سیاسی بر پیکر کشور وجود دارد، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. وی ادامه داد: از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ که قوا و نهادهای جمهوری اسلامی ایران یکدست در اختیار یک جناح افتاد هیچ یک از وعده‌هایی که داده شد محقق نگردیده. به گواه آمار منتشر شده از نهادهای رسمی نرخ تورم سالانه از ۴۵/۴ درصد در مهر سالجاری رسیده است. این در حالی است که قرار بود مطابق وعده‌های انتخاباتی آقای رئیسی در سال اول «دولت مردمی قوی» که به زعم اصولگرایان، ایرانی قوی و مقتدر به دست آنها ساخته خواهد شد. همه ایرانیان سهمی در این سود داشته باشند، ابتدا نرخ تورم به نصف و طی سال‌های بعدی تک رقمی شود، چه شد؟ ۲. ۵ درصد کاهش کجا، حدود ۲۳ درصد بر مبنای نرخ تورم مهرماه کجا؟! این اختلاف مقادیر در علم اقتصاد فاصله کهکشانی دارد. شاهمیرزا افزود: مردم به امید گشایش با توجه به این وعده‌ها به افراد رأی می‌دهند و این مهم یک نوع حق الناس تلقی می‌شود. سه وعده تحت عناوین «نرخ تورم»، احداث ۴ میلیون مسکن طی چهار سال و ایجاد سالیانه یک میلیون شغل صرفا ۳ مورد از ۲۱ مورد وعده‌های انتخاباتی جناب آقای رئیس‌جمهور فقط در حوزه «اقتصادی» بوده و سرنوشت آن ۱۸ مورد ذکر نشده هم مشخص است.

رضایتی از کابینه نیست

حسین کنعانی‌مقدم، دبیرکل حزب سبز نیز در ارتباط با عملکرد دولت سیزدهم به «آرمان ملی» گفت: عملکرد کابینه ابراهیم رئیسی در سه حوزه قابل بررسی است. در حوزه اقتصادی عملکرد دولت به گونه‌ای نیست که بتوان از عملکرد تیم اقتصادی دولت دفاع کرد. علت نیز آن است که کابینه اقتصادی سیزدهم کم تجربه است. از این منظر این تیم نمی‌تواند وعده‌های رئیس دولت را محقق کند و اگر قرار است در سال‌های باقی مانده از عمر دولت سیزدهم، دولت موفق باشد باید بازنگری مناسبی در تیم اقتصادی کابینه صورت گیرد. معاون اول دولت نیز که به نوعی رئیس تیم اقتصادی دولت سیزدهم است، قادر نیست کابینه اقتصادی را به سمت و سوی تحقق شعارهای ابراهیم رئیسی حرکت دهد. در حوزه خدمات نیز از جمله خدماتی مانند اینترنت که مردم به صورت روزانه با آن سر و کار دارند همچنین خدمات مربوط به وزارت راه در حمل و نقل‌های دریایی، هوایی و زمینی و همچنین مسائل مربوط به بازرگانی و تجارت، شخص آقای رئیس‌جمهور هم متوجه شده است که برخی از وزرا در شرایطی نیستند که بتوانند خواسته‌های دولت و رئیس دولت را برآورده کنند. در نتیجه در این زمینه باید بازنگری صورت گیرد. در حوزه‌هایی مانند وزارت کشور و وزارت خارجه نیز با توجه به شرایطی که وجود دارد باید این دو حوزه تقویت شوند تا بتوانند با قدرت بیشتری وظایف خود را انجام دهند.

۸ وزیر رئیسی زیر تیغ استیضاح

این فعال سیاسی اصولگرا با توجه به نوع نگاه مجلس به عملکرد برخی وزرا افزود: به نظر می‌رسد مجلس در بحث نظارتی پرونده‌های متعددی را به منظور سوال و حتی استیضاح وزرا گشوده است. درحال حاضر حدود ۸ وزیر زیر تیغ مجلس قرار دارند و اگر مجلس بررسی دقیق از کابینه انجام دهد و به نوعی به مساله نظارتی خود بر اساس قانون رسیدگی کند، قطعا تعدادی از وزرا با چالش عدم رأی مواجه خواهند شد. شاید از این طریق کابینه سیزدهم جراحی شده و خون جدید به کابینه تزریق شود.

پرونده هسته‌ای را به رفراندوم بگذاریم

دبیرکل حزب سبز در پاسخ به این سوال که دولت در ارتباط با پرونده هسته‌ای باید چه سیاستی را در نظر داشته باشد، چراکه هرچند ابراهیم رئیسی اعلام کرده بود مسائل اقتصادی را به این پرونده گره نخواهد زد اما اکنون دولت به‌خاطر تحریم‌ها با چالش روبه‌روست گفت: رئیس‌جمهور در پرونده هسته‌ای فاقد اختیارات نیست اما به نظر می‌رسد از سطحی دیگر باید در ارتباط با این پرونده تصمیم گیری شود. البته بحث مذاکره در این زمینه وجود دارد و امیدواریم به نتایجی در این زمینه دست یابند. پیشنهاد اینجانب به دولت و مجلس در این ارتباط این است که با توسل به اصول قانون اساسی حضور یا خروج ایران از برجام به همه پرسی گذاشته شود. دو سوم آرای مجلس نیاز است تا همه پرسی در این زمینه در دستور کار مجلس قرار گیرد. البته در برگزیت در اتحادیه اروپا شاهد رجوع به همه پرسی بودیم و شهروندان بریتانیا رأی دادند که از بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود. اگرچه اکنون شهروندان این کشور پشیمانند که چرا از اتحادیه اروپا خارج شدند اما چون این مورد تصمیم همه بود، همه از نتایج آن تبعیت کردند. در بحث برجام هم یکی از راه‌ها برای به نتیجه رسیدن این پرونده، توسل به همه پرسی است. این همه پرسی می‌تواند موثر باشد که آیا از برجام خارج شویم یا اینکه آن را برقرار کنیم. مجلس باید این اقدام را آغاز و رئیس‌جمهور از آن حمایت کند.

دولت و وعده ساخت مسکن

این فعال سیاسی اصولگرا در ارتباط با وعده‌هایی که رئیس‌جمهور در ارتباط با ساخت سالانه یک میلیون مسکن سر دادند اظهار کرد: بنده به عنوان فردی که در زمینه عمران تحصیل کرده‌ام از ابتدا اعلام کردم که اجرای این شعار شدنی نیست. در گذشته در بحث ساخت مسکن مهر هم اعتراض کردم که نحوه ورود دولت به بحث مسکن داشتم. در بخش مسکن نزدیک به ۹۵ درصد بخش خصوصی است که در این بخش فعالیت دارد و سهم دولت از این بازار تنها ۵ درصد است. با کمال تاسف دولت با سیاست گذاری‌های خود آن ۹۵ درصد را هم از بازار مسکن خارج می‌کند. امروز ضربه سنگینی در بحث بازار مسکن داخلی را شاهد هستیم. ضمن اینکه شعارهای اعلامی باید عقبه علمی و اقتصادی داشته باشد. آقای رستم قاسمی قصد داشت واحدهای وعده داده شده را با متری ۲ الی ۳ میلیون تومان بسازد. در حالی که قیمت ساخت مسکن در تهران همین حالا بالای متری ۱۰ میلیون تومان است. ضمن اینکه این حجم از ساخت و ساز نیازمند زیر ساخت‌هایی مانند آب و برق و گاز و... است که دولت در حال حاضر در شرایطی نیست که این زیر ساخت‌ها را فراهم کند. نگاهی به پروژه مسکن مهر نشان داد که دو دولت ۸ ساله نتوانستند آنگونه که باید پروژه مسکن مهر را به نتیجه برسانند. هنوز هم به رغم اینکه کمتر از دو سال از عمر این دولت می‌گذرد تعدادی از واحدهایی که ۱۰ الی ۱۵ سال پیش در ارتباط با آن قرارداد منعقد شد، به اتمام نرسیده است. بدون نگاه اقتصادی به توانایی مردم برای خرید این واحدها و آورده‌ای که مردم باید تهیه کنند آغاز این پروژه‌های وعده داده شده رئیس دولت به مردم امکان پذیر نیست. قیمت تمام شده یک متر آپارتمان بسیار فراتر از وعده‌های داده شده است. اگر همین چند صد هزار وامی که اکنون قرار است تحت عنوان ساخت مسکن به انبوه سازان داده شود، در همان ابتدا به شهروندان داده می‌شد و اعلام می‌کردند که مردم با انبوه سازان مشارکت کنند اکنون نتیجه‌های بهتری را شاهد بودیم تا اینکه سیاست‌گذاری در بحث مسکن در دستور کار قرار گیرد که بدون توجه به عرضه و تقاضا و قیمت تمام شده باشد. آقای احمدی نژاد در آن زمان با متری ۱۰۰ هزار تومان ساخت مسکن مهر را آغاز کرد اما بدها با ارقام ده برابری هم نتوانستند مسکن مهر را به پایان برسانند.

وزیر باید مشکلات را حل کند

کنعانی مقدم در ارتباط با اینکه ابراهیم رئیسی باید چه کند تا در اجرای وعده‌هایش موفق باشد در پایان گفت: آقای رئیسی بیش از حد از وزرای خود دفاع می‌کند. رئیس‌جمهور تلاش دارد که وزرای خود را در قالب کابینه حفظ کند. پافشاری بر حفظ وزرا چندان معقول نیست. وزیری که ضعیف است و نمی‌تواند برنامه‌های دولت را اجرا کند یا باید خود استعفا دهد و از کابینه جدا شود یا اینکه مجلس با طرح و استیضاح او را کنار بزند و یا اینکه رئیس‌جمهور خود رسما اعلام کند که کابینه نیازمند ترمیم است قطعا تا اینجای کار ۱۰ وزیر دولت باید تغییر کند و کابینه سیزدهم نیازمند خانه تکانی جدی است. مسائل و مشکلاتی که وجود دارد جز با ترمیم کابینه حل شدنی نیست. به نظر خود آقای رئیسی هم ناراحت است که چرا دستوراتی می‌دهد و در برخی وزارتخانه‌ها آن دستورات عملیاتی نمی‌شوند. این مورد حق رئیس‌جمهور است که وزرای خود را تغییر دهد و فرصت را در اختیار افراد کارآمدتر و جدید قرار دهد که مشکلات را حل کند نه اینکه خود وزیر به مشکل تبدیل شود. از این منظر اگر آقای رئیسی به دنبال آن است که با دستی پر به استقبال انتخابات ۱۴۰۴ برود، از هم اکنون باید در کابینه خود تغییراتی ایجاد کند در غیر این صورت حتی اصولگرایان نیز در آن انتخابات با دستی پر در برابر آقای رئیسی ظاهر خواهند شد.

نگره

سودای ری‌برندینگ

از مصائب رئیس دولت بودن در کشاکش بحران‌ها آن است که اگر علیه‌ات شعار بدهند، یک مصیبت است و اگر علیه‌ات شعار ندهند هم یک مصیبت دیگر؛ چیزی شبیه اتفاقی که حالا برای سید ابراهیم رئیسی افتاده است. عکس‌های حیاط دولت را که ببینیم نه خنده‌های اعضای کابینه به تسلط بر شرایط تعبیر می‌شود و نه جملات وزرا بضاعت بدل شدن به «تیتر یک» و نقطه تمرکز افکار عمومی را دارد. در این شرایط، دیگرانی این زمان فرصتی می‌دانند برای «نوسازی برند»شان، آنها که دیگر دلیلی نمی‌بینند تا همه چیز را به اعتبار دولت کنونی و رئیس‌اش گره بزنند.

قالیباف

او را در چهره‌های متفاوت دیده‌ایم، در لباس‌های متفاوت، با ادبیات متفاوت و با کمپین‌های متفاوت؛ او بارها خود را به طراحان کارزار انتخاباتی‌اش سپرده، بارها کوبیده‌اند و از نو ساخته‌اند اما همواره ناکام بوده‌اند. او با هیاهو آغاز کرد و زودتر از انتظار هم تمام شد؛ آن تعمیرات اساسی سال ۹۶ و آن تعدد نمادها و رفتارها، به شکل مأیوس کننده‌ای نتوانست کارساز باشد و نهایتا حافظه عمومی ایرانیان او را به عنوان کاندیدایی پوششی، بایگانی کرد. به نظر نمی‌رسد او حداقل یک دوره اقامت در پاستور را هنوز حق خود می‌داند و آن را از اردوگاه اصولگرایی طلبکار است. چند ماه دیگر ریاست او بر مجلس، سه ساله خواهد شد؛ و حالا باید کارنامه‌ای برای ارائه دهد، برای آن روزی که با حرارت می‌گفت ما یک خیزش هستیم برای نجات اقتصاد کشور.» اینک و در فقدان کارنامه، قالیباف را چاره‌ای نیست جز یک بازسازی جدید، یک نوسازی برند، یک زمین تازه برای بازی جدید. او این روزها را فرصتی مغتنم می‌بیند تا حافظه عمومی را تصحیح کند. او و چهره‌های منتسب به او، ری برندیگ تازه‌ای را آغاز کرده‌اند که در آن قالیباف، چهره منتقد به عملکرد دولت بازنمایی می‌شود و به کابینه می‌تازد، چهره‌ای مدافع «اصلاح» حکمرانی که این روزها پیگیر رفع انسداد از شبکه‌های اجتماعی هم هست، رئیس همان مجلسی که پررنگ‌ترین خاطره عمومی از آن به طرح «صیانت» باز می‌گردد. این نوسازی برند بر کلیدواژه «اصلاح» استوار است آن هم ربع قرن پس از آغاز جنبش اصلاحات در ایران و به نظر می‌رسد قالیباف کنونی که محاسن‌اش سفیدتر از قالیباف‌های پیشین است، این بار هم دیر رسیده باشد. سخت است بشود چشم‌اندازی برای ری‌برندینگ قالیباف متصور شد، چراکه پیچیدگی‌های افکار عمومی آنقدر فزاینده بوده که حتی نیروهای پیشرو نیز، مرجعیت از کف داده‌اند.

ضرغامی

او باهوش‌تر و سیاسی‌تر از میانگین کابینه است. ضرغامی هیچ‌وقت در تراز سیاستمداری دارای مرجعیت نبوده، پیشینه او هم تا پیش از ریاست صداوسیما، چندان سیاسی نیست اما از منظر برند سیاسی، فرآیند ری‌برندینگ‌اش از ۹۳ به این سو قابل تامل است؛ تجربه به کارگیری اینستاگرام در نوسازی برند توسط ضرغامی تا حدودی خلاقانه بود و بر پایه عنصری استوار شد که در صداوسیمای او مطلقا و مطلقا این رنگارنگی و صراحت را نداشت؛ عنصر «گفت‌وگو». ضرغامی در سالیان گذشته و پیش‌تر از ورودش به دولت رئیسی، تلاش کرد تصویری نو از خود بسازد، تصویر بازنشسته‌ای که مشتاقانه در خیابان‌ها تردد می‌کند و مقام پیشینی که در بالکن ساختمانی نسبتا قدیمی با دایره متنوعی از چهره‌ها گپ می‌زند و صبحانه می‌خورد؛ تصویری نو و نزدیک‌تر که در آن یک روز برای خانه‌اش فلافل می‌خرد و روزی دیگر از نوه‌اش می‌نویسد. او تمام این سال‌ها تلاش کرد تا ضرغامیِ صداوسیما آخرین تصویر افکار عمومی از او نباشد و همه چیز در سایه سنگین رئیس جام‌جم قرار نگیرد. قابل پیش‌بینی است که او در سیاست و اجتماع و فرهنگ، خود را «زیر برند» رئیسی نداند؛ او چند سالی است که می‌خواهد چیزی شبیه لاریجانی باشد و از صداوسیما به ریاستی در تراز بالاتر برسد که البته ظرفیت و پیشینه سیاسی‌اش با بلندپروازی‌هایش همخوان نیست و تاکنون هم یاری‌اش نکرده. ضرغامی سیاستمدار پوپولیستی است و نیاز دارد تا دیده شود یا بهتر، نیاز دارد که مستقل دیده شود، در قامت چهره‌ای سیاسی که قصه خودش را دارد. از نشانه‌ها می‌توان به این رسید که ضرغامی همچنان آینده‌ای برای خود متصور است، آینده‌ای که به سرنوشت دولت رئیسی گره نخورده باشد و اینگونه است که ضرغامی این روزها پررنگ‌تر از همیشه ظاهر می‌گردد و نظراتش را عرضه می‌کند. این مرحله تازه‌ای از ری‌برندینگ عزتا... ضرغامی است، او آگاهانه تصمیم گرفته در قالب اقتدارگرایان ظاهر نشود و بر خلاف پایداری‌چی‌ها، بحران را کتمان نکند و بر طبل برخورد سخت نکوبد. ضرغامی هم مانند قالیباف راه دراز و شانس کمی برای توفیق در ری‌برندینگ اخیرش دارد چراکه تصویری که در حال ساختن‌اش است با گذشته نزدیک آنها در تعارض است.

ویژه

مردم «دوست و دشمن» خود را بیش از پیش شناختند

مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای با بیان اینکه برخی افراد و جریانات سیاسی در این مدت، در مسیر طراحی شده دشمن، قرار گرفتند، تاکید کرده است: بی‌شک این نیز از چشم ملت دور نمانده و مردم «دوست و دشمن» خود را در این غربالگری روزگار، بیش از پیش شناختند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «اولا: بار دیگر بی‌رحمی آمریکا، اروپا، صهیونیسم، رژیم‌های مزدور به‌ویژه گاو شیرده سعودی و عوامل فاقد هویت (مانند منافقین، سلطنت‌طلب‌ها، کومله و دموکرات و افراد شرور)، در به شهادت رساندن و مجروح کردن و حرمت شکنی مردم بصیر و حافظان امنیت را به‌شدت محکوم می‌کنیم. از عموم مردم عزیز به‌خصوص اولیاء گرامی تقاضامندیم تا در کنار نوجوانان و جوانان، سخنان راه گشا و امیدبخش رهبر حکیم انقلاب (که در ۲۵ آبان در جمع مردم انقلابی و شهید پرور اصفهان ایراد شد) را با گوش جان شنیده و مانع تأثیرپذیری هیجانی عزیزانشان شوند.